خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۷ .۸ محرم ۱۴۴۰ .شماره ۱۹۹۱۸

بودجه فرهنگی کشور
هفت دهم درصد کل بودجه تزریقی دولت

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفت: حوزه فرهنگ در کشور ،مظلوم است و شبکه های اجتماعی علیه این بخش مهم، تبلیغ های غیر منصفانه می کنند. به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت الاسلام احمد مازنی افزود: ما باید میزان اعتبارات فرهنگی و محل هزینه آن ها را، برای مردم توضیح دهیم تا بدانند که بودجه فرهنگی کشور، حداکثر هفت دهم درصد نسبت به کل بودجه تزریقی دولت است.

مشاوره حقوقی

خوانندگان محترم! در صفحه ۱۲ روزنامه خراسان، پاسخ‌گوی پرسش های حقوقی شما هستیم. شما می توانید پرسش های خود را در تمام زمینه های حقوقی، از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ ارسال کنید. لطفا در ابتدای متن پیامک حتما کلمه «حقوقی» را قید فرمایید.

پرسش: تصمیم به تمدید اجاره با صاحبخانه گرفتم. به دلیل نیاز به تعمیر واحد مسکونی، قرار شد مبلغ دو میلیون تومانی که باید بابت افزایش رهن خانه می‌پرداختم، صرف تعمیر ساختمان کنم و در قولنامه ذکر شود. پس از اتمام تعمیرات، صاحبخانه مدعی شد که چنین توافقی نکرده است و اکنون می گوید باید خانه را تخلیه کنم! با توجه به این که مشاور املاک از توافق ما خبر داشته است، آیا می توانم مدعی خسارت بابت نظارت بر تعمیر و وقتی که تلف کرده‌ام، باشم؟ چگونه باید شکایت را مطرح کرد؟

پاسخ: با تقدیم دادخواست الزام به پرداخت وجه از شورای حل اختلاف درخواست کنید که صاحبخانه را محکوم کند هزینه تعمیرات را به شما بپردازد. همچنین، از شورای حل اختلاف بخواهید برای برآورد حق الزحمه نظارت شما بر عملیات عمرانی، کارشناسی تعیین و صاحبخانه را به پرداخت مبلغ تعیین شده توسط کارشناس نیز، محکوم کند. اگر بتوانید در شورای حل اختلاف ثابت کنید که خانه را به درخواست صاحبخانه تعمیر کرده‌اید، رای به نفع شما صادر خواهد شد. برای اثبات ادعای خود می‌توانید از ادله اثبات دعوا (سند، شهادت، اقرار، اَمارات یا سوگند) استفاده کنید. با توجه به میزان خواسته (هزینه تعمیرات و حق الزحمه نظارت بر تعمیرات) پیشنهاد می کنم از شورای حل اختلاف یا شخصی که مورد اعتماد طرفین است، درخواست میانجی گری کنید. در جریان میانجی گری انعطاف داشته باشید. تلاش کنید اختلاف را به صلح و سازش خاتمه دهید. ماده ۳۳۶ قانون مدنی مقرر می کند: «هر گاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد عامل، مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر این که معلوم شود که قصد تبرع داشته است.» یعنی اگر کسی با دستور دیگری کاری انجام دهد که عرفاً آن کار را با دریافت مزد انجام می دهند، یا آن شخص معمولاً آن کار را در مقابل دریافت مزد انجام می‌دهد، دستور دهنده باید مزد شخص را پرداخت کند، مگر این که ثابت شود آن شخص کار را به رایگان انجام داده و قصد دریافت مزد نداشته است. شورای حل اختلاف در رسیدگی به دعوا بی طرف است. این شما هستید که باید ادعای خود را با دلایل محکمه پسند اثبات کنید.

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

غروب تاسوعا فرا رسید. یاران سیدالشهدا(ع)، نماز مغرب و عشا را به مولایشان اقتدا کردند. مدتی بعد، تاریکی همه جا را فرا گرفت. امام(ع) یاران را به خیمه‌اش فرا خواند. طولی نکشید که خیمه از جمع اصحاب سیدالشهدا(ع) پُر شد. هیچ کس سخن نمی گفت، امار خسارشان نشان می‌داد که در قلبشان چه غوغایی برپاست. امام حسین(ع) وارد مجلس شد. همه برخاستند. امام(ع) همه را به نشستن دعوت کرد و بالای مجلس، جایی که همه بتوانند او را ببینند، نشست.

■ **خداوند زندگی بعد از شمار را شت گرداند**

امام حسین(ع) نگاهی به اصحابش انداخت و فرمود: خدای را ستایش می کنم؛ خدایی که برتر و بلند مرتبه است؛ هموکه در سختی و راحتی، سپاس گزار نعمت‌های بی شمار اویم... بدانید که من، یارانی برتر و بهتر از یاران خویش و اهل بیتی نیکوکارتر و باتقواتر از اهل بیت خود، نمی‌شناسم. خداوند به شما جزای خیر دهد. آگاه باشید که به گمان من، فردا نبرد سخت با دشمنانمان خواهیم داشت. یاران من! شما آزادید که بروید. از جانب من عهدی بر گردن شما نیست. تاریکی شب را مرکبی کنید برای خروج از این دشت پر بلا. هر یک از شما، دست فردی از اهل بیت مرا بگیرد و با خود به آبادی‌ها و شهرهای دیگر ببرد. بروید که این قوم، جز در پی من نیستند و اگر بر من دست یابند، دیگران را رها خواهند کرد. در این هنگام، عباس بن علی(ع) از جا برخاست و گفت: چرا باید چنین کاری انجام دهیم؟ برای آن که چند صباحی پس از شما زنده بمانیم؟ خدا آن روز را نیاورد که زندگی بعد از مولایمان، ارزشی ندارد. آن گاه ادامه داد: اگر شما را تنها بگذاریم و برویم، در پیشگاه خداوند چه عذر و بهانه‌ای خواهیم داشت؟ آیندگان درباره ما چه قضاوتی خواهند کرد؟ آیا بگوییم که بزرگ خاندان، آقا، امام، مقتدا و فرزند پیامبرمان را تنها گذاشتیم و در یاری او، تیری پرتاب نکردیم، نیزه‌ای به دست نگرفتیم و در رکابش شمشیر نزدیم؟ نه! به خدا سوگند هرگز از شما جدا نمی شویم و با جان خود از وجودتان محافظت خواهیم کرد، تا آن که پیش رویت، جان به جان آفرین تسلیم کنیم. آری مولای من! ما به هر آن جا که شما می‌روید، رهسپاریم. خداوند زندگی بعد از شما را زشت گرداند. همهمه‌ای در میان جمع بلند شد. همه از سخنان شورانگیز پسر برومند امیرالمؤمنین(ع) به وجد آمده بودند و او را تحسین می کردند. دیگر یاران امام(ع)، مانند مسلم بن عوسجه، زهیر بن قین و سعید بن عبدا... حنفی نیز، طی سخنانی شورانگیز، وفاداری خود را به امام(ع) اعلام کردند.

■ **صبح روز عاشورا**

صبح عاشورا فرا رسید. سپاه کوفه آماده هجوم به امام حسین(ع) و یارانش شده بود. امام(ع)، «بُریر بن خُضیر» را به سوی آن ها فرستاد تا نصیحتشان کند، اما کوفیان به سخنان او گوش ندادند. سیدالشهدا(ع) بر اسب سوار شد و پیش راند. سکوتی بین دو سپاه حاکم شد، تنها وزش گاه و بی گاه باد، آرامش دشت نینوا را برهم می زد. «سید بن طاووس» در «لهوف» می نویسد: «امام حسین(ع) در برابر سپاه کوفه قرار گرفت. حمد و ثنای الهی را به جای آورد و فرمود: نفرین بر شما جماعت بداندیش و بد کردار. هنگام پریشانی، ما را به سوی خود دعوت کردید و یاری خواستید؛ پس به سوی شما شتافتیم و به فریادتان رسیدیم؛ ولی بر ما شمشیر کشیدید و در برابرمان آتش افروختید و دوست دشمنتان و دشمن دوستتان شده اید... آگاه باشید! امیر بَدنَسَب شما، مرا در برگزیدن دو راه مخیّر کرده است: شهادت یا پذیرش ذلت، به او بگویید حسین و تن به ذلت دادن؟ هرگز! خدا و پیامبرش و تمامی مؤمنان و دامن پاکی که مرا پرورش داده است و مردان با غیرت و حمیّتی که تن به ذلت و زور گویی نمی دهند، دوست ندارند که ذلت زیستن با پست فطرتان و فرومایگان را بر مرگ با عزت برگزینم.

■ **آغاز هجوم سراسری**

سخنان امام(ع) در دل سخت کوفیان اثر نکرد و جز معدود افرادی، مانند حر بن یزید ریاحی، کسی به سپاه سیدالشهدا(ع) ملحق نشد. عمر بن سعد تیری در چله کمانش گذاشت و فریاد زد: «شاهد باشید که من نخستین تیر را به سمت حسین پرتاب کردم.» به این ترتیب، نبرد آغاز شد. کوفیان ابتدا به جنگ تن به تن روی آوردند، اما وقتی دیدند تاب مقاومت در برابر یاران جان بر کف سالار شهیدان را ندارند، حمله عمومی آغاز شد. اما این حملات توسط یاران سیدالشهدا(ع) دفع شد و کوفیان عقب نشستند. شمر بن ذی الجوشن که روحیه نیروهای خود را متزلزل می دید، به سوی خیمه‌ها تاخت. از هیر بن قین و ۱۰ نفر از نیروهای جناح راست سپاه امام(ع)، همچون شیر شرزه خود را به متجاوزان رساندند و با وارد آوردن تلفات بسیار، آن ها را مجبور به عقب نشینی کردند.

■ **آخرین لحظات تابش خورشید**

ساعتی از ظهر گذشته و دیگر کسی از اصحاب باقی نمانده بود. حال نوبت خاندان سیدالشهدا(ع) بود که به میدان بیایند. نخستین فرد از خاندان امام حسین(ع) که به میدان رفت، علی اکبر(ع) بود. او وارد میدان شد و نبردی جانانه کرد و شماری از دشمنان را به خاک هلاکت انداخت. اما طولی نکشید که به محاصره کوفیان درآمد و با لبان تشنه، به سوی ملکوت پر کشید. با شهادت علی اکبر(ع)، افراد خاندان سیدالشهدا(ع) وارد میدان کارزار شدند و در جنگی جانانه، یک به یک شربت شهادت نوشیدند. «محمد سماوی» در «ابصار العین فی انصار الحسین(ع)» می نویسد: «هنگامی که عباس بن علی(ع) برادرش حسین(ع) را تنها دید، سایر برادرانش را به میدان فرستاد و چون آن ها نیز به شهادت رسیدند، نزد امام(ع) آمد و عرض کرد: اجازه جهاد می فرمایید؟ امام(ع) فرمود: [چگونه اجازه دهم،] حال آن که تو پرچمدار من هستی. ابا الفضل(ع) گفت: سینه ام تنگ است و از این زندگی سیر شده ام. سیدالشهدا(ع) فرمود: پس اگر می خواهی کاری کنی، برای ما اندکی آب تهیه کن.» عباس(ع) به سوی نهر حرکت کرد، اما این رفتن را باز گشتی نبود. با شهادت ابا الفضل العباس(ع)، سیدالشهدا(ع) تنها شد. امام(ع) اسب خود را پیش راند و به سپاه پرشمار کوفه حمله کرد و پیوسته فریاد می زد: «القتل أولی من رُکوب العار؛ مرگ بهتر از پذیرش ذلت است.» دشمن که وضع را این گونه دید، دوباره به سمت خیمه‌ها یورش برد. سیدالشهدا(ع) خطاب به متجاوزان فرمود: «وای بر شما، ای پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از روز رستاخیز بیمناک نیستید، دست کم در این دنیا آزاده باشید.» شمر بن ذی الجوشن پرسید: «ای پسر فاطمه، چه می گویی؟» امام(ع) فرمود: من با شما می جنگم و شما با من؛ زنان و کودکان گناهی ندارند؛ رجاله‌های خود را از حمله به حرم من، مادامی که زنده ام، بازدار.» کوفیان حملاتشان را بر سیدالشهدا(ع) متمرکز کردند. «سید بن طاووس» در «لهوف» می نویسد: «سالار شهیدان لحظه‌ای توقف کرد تا نفس تازه کند که سنگی به پیشانی مبارکش اصابت کرد و خون جاری شد. سیدالشهدا(ع) پیراهن خود را بالا زد تا خون را پاک کند، اما در همان لحظه، تیری مسموم بر قلب مطهرش نشست. امام(ع) فرمود: بسم ا... و بالله و علی ملة رسول ا...» پس از اصابت این تیر بود که سالار شهیدان از اسب بر زمین افتاد و به این ترتیب، غروب روز دهم محرم سال ۶۱ هجری، رنگ خون گرفت.

تسلیت گویی عاشورایی در کلام امام باقر(ع)

سخن اندیشه

از وظایف سوگواران سیدالشهدا علیه السلام، تسلیت گفتن به یکدیگر است. تسلیت گویی مصیبت امام حسین علیه السلام، اظهار مودت و محبت به اهل بیت علیهم السلام و اظهار برائت از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است. اما سوال این است که سوگواران و عزاداران سیدالشهدا علیه السلام در شب و روزهای دهه محرم، به ویژه در روز عاشورا، چگونه به یکدیگر تسلیت بگویند؟ امام باقر علیه السلام می فرمایند: «لیعز بعضهم بعضا بمصاب الحسین علیه السلام؛ باید برخی از شیعیان برخی دیگر را در مصیبت و سوگواری امام حسین علیه السلام تعزیت و تسلیت بگویند.» راوی این حدیث، به امام عرض می کند: «و کیف یعزّی بعضنا بعضاً؛ چگونه برخی از ما برخی دیگر را تسلیت بگویند؟» امام باقر علیه السلام در پاسخ او می فرمایند: «تقول عظم ا... أجورنا بمصابنا بالحسین علیه السلام و جعلنا و ایّاکم من الطّالبین بثأره مع ولیه الامام المهدی من آل محمّد علیهم السلام؛ می گویی خداوند اجرها و ثواب‌های عزادار بودن ما برای امام حسین علیه السلام را بزرگ و زیاد گرداند و ما و شما را از طلب کنندگان خون امام حسین علیه السلام همراه با ولیّ او، امام مهدی، از آل محمد علیهم السلام قرار دهد.» (کامل الزیارات ابن قولویه؛ صفحه ۵۰۹) سزاوار است که همین متن تسلیت، در گفتار و نوشتار سوگواران عاشورایی مورد استفاده قرار گیرد. این متن، عرض تسلیت «مأثور» مبتنی بر «نص معصوم» است. به کارگیری این متن، در تسلیت نامه عاشورائیان جهان، موجب هماهنگی سوگواران در تسلیت گویی می شود و باید آن را سرفصلی از معارف عاشورایی اهل بیت علیهم السلام دانست.

حجت الاسلام دکتر جواهری
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی

تازه‌های نشر

انتشار ترجمه تحقیقی «مقتل ابومخنف»

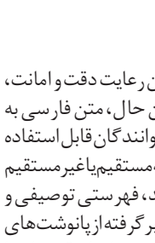

ترجمه تحقیقی کتاب «وقعة الطّف لأبی مِخنَف» به قلم محمدصادق روحانی، از سوی «انتشارات کتاب طه» منتشر شد. به گزارش ایبنا، دستیابی به روایتی معتبر و اصیل از واقعه کربلا، از زبان کسانی که هم‌عصر این واقعه یا نزدیک به زمان آن بوده‌اند، همواره ذهن علاقه‌مندان و پژوهشگران تاریخ عاشورا را به خود مشغول کرده است. در این بین، محققان و تاریخ‌پژوهانی هستند که گمشده خود را از دل منابع کهن جست‌وجو می کنند. کتاب «وقعة الطّف لأبی مِخنَف» یکی از کتاب‌هایی است در این باب حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. متن عربی این کتاب را که در واقع بازسازی و احیای کتاب از دست رفته ابومِخنَف به نام «مقتل الحسین» است، چند سال پیش، استاد محمدهادی یوسفی غروی، پژوهشگر بنام تاریخ اسلام، پس از حدود ۲۰ سال تحقیق و کاوش در منابع قدیم، به علاقه‌مندان تاریخ عرضه کرد و اینک، ترجمه‌ای دقیق و کامل از آن، به همت محمدصادق روحانی از سوی «انتشارات کتاب طه» منتشر شده است. علاوه بر نزدیک‌تر بودن زمان نگارش کتاب ابومخنف به عصر امام حسین(ع) در مقایسه با منابع دیگر، بخشی از جذابیت این کتاب برای مورخان و علاقه‌مندان به تاریخ تشیع و عاشورا، این است که در برخی از موارد، تصویری که از افراد، جریان‌ها و وقایع مربوط به کربلا به دست می‌دهد، با روایات مرسوم کم و بیش تفاوت‌هایی دارد و همین، اهمیت کتاب را دوچندان می کند. البته وجه مشترک اکثر این موارد، آن است که آن چه با نگاه تاریخی و بر اساس منابع کهن می‌توان گفت، بسیار خلاصه‌تر و کوتاه‌تر از چیزی است که در دوره‌های بعد، به ویژه در چند قرن اخیر، طول و تفصیل پیدا کرده است.

■ **امتیازات ترجمه**

در این ترجمه سعی شده است ضمن رعایت دقت و امانت، ساختار علمی کتاب حفظ و در عین حال، متن فارسی به گونه‌ای تدوین شود که برای عموم خوانندگان قابل استفاده باشد. برای اَعلام و شخصیت‌هایی که مستقیم یا غیر مستقیم ارتباطی با ماجرای کربلا داشته‌اند، فهرستی توصیفی و توضیحی تهیه شده که به طور عمده برگرفته از پانوشت‌های مؤلف در متن عربی است. در تمام متن، تلفظ دقیق نام‌ها ذکر شده است تا خواننده از این جهت با دشواری روبه‌رو نشود. روایات کتاب به شکل مرسوم در کتاب‌های کلاسیک تاریخی، به صورت دقیق شماره‌گذاری شده است تا مراجعه به آن‌ها آسان باشد. علاوه بر پیشگفتار مؤلف، مترجم نیز مقدمه مفصلی بر کتاب نوشته و درباره ترجمه حاضر و کارهایی که روی آن صورت گرفته، توضیحات خوبی داده است.

بار دیگر آسمان دبستان امیدوار نوربارن شد

۸۵ نفر از نخبگان در آزمون استعدادهای درخشان با توکل به خدا و برنامه ریزی منظم مدیریت محترم سرکار خانم امیدوار و همکاران شان خوش درخشیدند.

اولیاء دانش آموزان دبستان شهید امیدوار

م/۹۷۱۰۱۲۸۴